

Legal Challenges of gold Coin Dowry; Strategies Legal solutions

Mohammad Shokri*¹

1. Assistant Professor, Department of Private Law, Payam Noor University, Tehran.Iran.

Abstract

Dowry is a contract. This contract is set out in Islam as a contract to be considered a gift from a couple to a wife. A large number of gold coins as dowry has become commonplace in Iran in recent years. This, in the event of a sudden fluctuation in the price of the coin in the short run, imposes a multiple equity obligation that is undoubtedly inconsistent with the contractual intention and contrary to the contractual intent. On the other hand, it has somehow triggered a cultural event, resulting from this phenomenon of unpleasant cultural consequences and the economic outlook on marriage and the marginalization of marriage philosophy based on the spiritual-emotional view and the subordination of spiritual attributes. Also, this phenomenon in Iran's current economic situation is one of the factors that increases the price of coins and gold in the Iranian market. In this unfavorable economic situation, the wife seizes the husband's property and economic capital to receive from that her dowry. It causes it to be shut down as part of the economic activity of society and this disrupts the public order of society. Solutions such as paired Commitment to the usual price fluctuation, the prohibition on coins being stamped highlights the need for appropriate legislation in this regard as the basis.

Keywords: Dowry, coin, contract intention, cultural public order, economic order.



Article Type:

Original Research


Pages: 259-291

Received: 2021 September 16

Revised: 2021 November 20

Accepted: 2022 January 16



 This is an open access article under the CC BY licens.

*. Corresponding Author: mshokri@pnu.ac.ir

چالش‌های حقوقی مهریه سکه؛ طرح راهکارهای قانونی

محمد شکری^{۱*}

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

مهریه به عنوان یک قرارداد در کنار ازدواج با هدف هدیه‌ای از طرف زوج به زوجه و برای تحکیم روابط عاطفی آن دو در حقوق اسلام مقرر شده است. در دهه‌های اخیر منبعت از نفوذ تفکرات مادیگرایی، به تدریج به ارقام بالا و بصورت سکه طلا رایج شده است این امر در شرایط نوسان نامتعارف قیمت سکه در فاصله‌ای کوتاه، تحمیل تعهدی چندین برابری را برای وی به ارمغان می‌آورد که بدون تردید مغایر با قصد قراردادی است و با قاعده تبعیت عقد از قصد مخالف است، از سوی دیگر به نوعی یک رویداد فرهنگی را رقم زده است، حاصل این پدیده تبعات ناخوشایند فرهنگی و نگاه اقتصادی به ازدواج و به حاشیه رفتن فلسفه ازدواج مبتنی بر نگاه معنوی-عاطفی و فرعی شدن شاخص‌های معنوی بوده است. همچنین در شرایط فعلی اقتصادی کشور، با توجه به آمارهای قضایی موجود و میزان مطالبات، از عوامل تأثیرگذار گرانی طلا، افزایش تقاضای ناشی از اجرای مهریه‌های سکه است، بعلاوه توقیف بضاعت و سرمایه اقتصادی زوج از سوی زوجه و تعطیلی بخشی از فعالیت اقتصادی برای اجرای مهریه منافی نظم عمومی جامعه است؛ این رخداد اتخاذ راهکارهای قانونی تحدید تعهد زوج حدکثر تا نوسان متعارف، ممنوعیت تعیین سکه به عنوان مهر به عنوان مبانی ضرورت قانونگذاری متناسب در این راستای را روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: مهریه، سکه، قصد قراردادی، نظم عمومی فرهنگی، نظم اقتصادی



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۵۹-۲۹۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

پرونده‌های مهریه که اکثریت قریب به اتفاق با موضوع سکه می‌باشد، از پرونده‌های واقع در صدر مطروحه در محاکم قضایی است و به تبع از مهم‌ترین مشکلات و اختلافات حادث در جامعه ما از نظر کمیت و آثار اجتماعی قلمداد می‌شود. در وضعیت فعلی حادث در کشور با افزایش غیرمنتظره و ناگهانی قیمت سکه و طلا تا بیش از ده برابر و تداوم روند افزایشی قیمت آن و رویکرد منفی اجتماعی و اقتصادی و روانی حاصل از آن و همچنین تعداد کثیر پرونده‌های تعدیل مطروحه که در آتیه بیشتر نیز خواهد شد، نیازمند اقدام عاجل قانونگذار به منظور رعایت عدالت، قانون، شرع و حق الناس و حفظ نظم عمومی جامعه به تبع از بین رفتن آثار زیانبار اجتماعی این پدیده است.

روی آوردن قاضی به نصوص مصرحه قانونی و تطبیق پدیده‌های حقوقی بر آنها گاه چنان قالب‌گرایی افراطی به خود می‌گیرد که اهداف اصلی وضع قوانین از قبیل عدالت و برقراری نظم و انضباط جمعی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و فراموش می‌شود. (عامری‌نیا و جمادی، ۱۳۹۶: ۲۲۸) اگر «عدالت مبنای تعهد سیاسی و اجتماعی افراد در اطاعت از دولت و قوانین آن است»، (اخوان کاظمی، ۱۳۹۷: ۲) موضوع حادث و رویه جاری محاکم مغایر با آن است. کافی است در چند برابر شدن قیمت سکه در مدت زمان کوتاه سکه تأمل شود تا عدم پذیرش و یا حداقل تردید در پذیرش آن در صورت آگاهی متعهد روشن گردد.

وضعیت حادث موضوع نوشتار موجب نگرانی فراوان و ایجاد مشقت و سختی «من غیرحق» برای زوج گردیده است که با لحاظ و تحلیل مبانی قصد قراردادی و نظم عمومی، رویه فعلی دادگاه‌ها و الزام زوج به پرداخت سکه به قیمت فعلی رویه‌ای مخالف اصول قراردادهای و مغایر با مصلحت عمومی در جریان است. همان‌گونه که تعیین وجه نقد باعث می‌شد ارزش مهریه در گذر زمان از ارزش اولیه و مورد قصد زوجه بیفتد و کاهش یابد و قانون‌گذار در این مورد با محاسبه کاهش ارزش آن، برای حفظ حقوق حقه زنان چاره‌اندیشی نمود وضعیت نابسامان و بی‌سابقه بازار طلا نیز باعث شده ارزش واقعی طلا بسیار بیشتر از زمان عقد و تعهد شده، برای مورد مبتلابه اخیر نیز باید تمهیدی اندیشه شود؛ منصفانه نیست مرد ایرانی که درآمدش بر مبنای طلا افزایش نمی‌یابد و حتی به دلیل وضعیت نامساعد اقتصادی کشور کاهش هم داشته، به دلیل

افزایش ناگهانی قیمت طلا به واسطه عقد زناشویی چندین برابر تعهد مقصود بپردازد و یا راهی زندان شود و یا اینکه به خارج از کشور پناه ببرد و اگر ازدواج نکرده بر خلاف تأکید آموزه‌های دینی و ضرورت اجتماعی از خیر ازدواج بگذرد. در پژوهش حاضر ابتدا چالش‌های حقوقی مهریه سکه شامل فراقصد بودن افزایش نامتعارف و مغایرت با نظم عمومی و همچنین نامقدور بودن و امکان حق حبس زوجه تبیین می‌گردد سپس به طرح راهکارهای حقوقی به عنوان محصول فرآیند پرداخته می‌شود، باشد در امر قانونگذاری مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

۱. چالش‌های حقوقی مهریه سکه

در بیان آسیب‌های حقوقی ناشی از مهریه سکه به چند مورد می‌توان اشاره نمود؛ البته این امر در مواردی است که به مانند وضعیت کنونی به نحو کلی تعیین گردد، یکی از این موارد ایجاد تعهدات خارج از قصد است، این چالش خود دلیل اختصاص موضوع نوشتار به سکه است، همچنین اجرای تعهدات ناشی از مهریه سکه بدین نحو برخلاف اصله العدم است، از طرف دیگر برخورد اجرای این نوع از مهریه به دلیل نقش خاص اقتصادی سکه و طلا و ایجاد تعهدات مضاعف نسبت به زمان معهود، با نظم عمومی جامعه مخالف است، این موارد به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. فراقصد بودن افزایش نامتعارف قیمت سکه؛ (مغایرت با توافق و

قصد قراردادی)

قرارداد موجودی اعتباری است که محصول توافق اراده متعاقدین است. اراده فعلی از افعال نفس تلقی شده است (الموسوی‌الخمينی، ۱۳۶۲: ۱۱۱-۱۱۰) که از جمله موجد قرارداد است. برخی اراده را شوق مؤکد دانسته‌اند که پس از تصدیق به فایده می‌آید. لکن نظر مشهور مبتنی بر تفکیک قصد از رضاست. فقها عموماً استعمال صیغه مخصوص عربی ماضی و سبق ایجاب بر قبول را برای تشکیل عقد لازم می‌دانستند. (حسینی عاملی ۱۴۱۹، ج ۱۲: ۴۸۴) (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۰۷) لکن دیگران جز موارد خاص قائل به طریقیقت ابراز اراده هستند (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۴) که حکایت از اهمیت قصد درونی و واقعی دارد. هر چند اراده تا قبل از ابراز، فاقد اثر است (معروف

الحسنی، بی تا: ۱۲۱-۱۲۲) لکن اگر بدون قصد چیزی بر زبان آورده شود، عقد واقع نخواهد شد. (انصاری، ۱۴۱۰: ۱۱)

در قانون مدنی نیز ماده ۱۹۱ قانون مدنی صراحتاً عنصر سازنده عقد را قصد افراد می‌داند و تصریح می‌دارد عقد با قصد انشاء محقق می‌شود. طبق ماده ۶۵ قانون مدنی با اثبات نیت درونی طرفین (قصد ضرر به دیان) «عقد به ظاهر نافذ»، غیر نافذ می‌شود. ماده ۲۱۸ قانون مدنی معامله صوری بودن و به قصد فرار از دین، را باطل می‌داند، همچنین مطابق ماده ۴۶۳ قانون مدنی اگر در بیع شرط معلوم شود قصد بایع حقیقت بیع نبوده، احکام بیع جاری نیست. ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی تحقق رجوع را مشروط به قصد رجوع می‌نماید. بر اساس مفهوم مخالف ماده اخیر اگر قصد رجوع نباشد، لفظ و فعل مذکور فاقد اثر است. در تمامی این موارد اساس حکم، قصد و اراده واقعی است.

مهریه به عنوان قراردادی در کنار عقد نکاح، حاصل توافق و اراده زوجین است. یکی از مسایلی که بویژه در خصوص سکه و طلاق می‌دهد نوسان قیمت آن است، در این خصوص چنانچه نوسان قیمت در برهه‌ای از زمان، نامعمول و چند برابری باشد انتساب آن به اراده قراردادی درخور تأمل است. این نوسان خواه افزایشی یا کاهش‌ی به دو صورت ممکن است:

الف- نوسان متعارف: چنانچه این نوسان در حد متعارف و رایج باشد زوج قیمت حین العقد و این مقدار نوسان را معمولاً اراده می‌نماید. نوسان و افزایش متعارف سکه حتی چنانچه قصد هم نشده باشد به استناد ماده ۲۲۵ قانون مدنی که وجود امری در عرف را به منزله تصریح در عقد می‌داند، زوج متعهد بدان است. عرف یعنی «ما تعارف علیه الناس فی عاداتهم و معاملاتهم» (مصطفی و دیگران، ج ۲، ۵۹۵) همان نوسان معمول و متعارف در بازار است که در زمان نسبتاً نزدیک به زمان عقد (تراضی) رایج بوده است.

ب- نوسان نامتعارف: در شرایطی که این نوسان فراتر از حد معمول و غیرمتعارف باشد، قطعاً پرداخت سکه به قیمت روز قابل انتساب به اراده متعهد و حتی متعهدله نیز نمی‌باشد. مثلاً زمانی که حین عقد سکه یک میلیون بوده و سپس در فاصله کوتاهی مانند یک سال به ۲۵۰ هزار تومان کاهش یابد و یا اینکه بالعکس به ۳ میلیون افزایش

یابد بدون شک در هر دو مورد خارج از اراده قراردادی بوده است. در این موارد قدر متیقن قیمت زمان عقد است؛ لکن میزان متعارفی از نوسان معمول در بازار طلا را می‌توان داخل در قصد دانست. وجه دیگر استدلال اینکه، به موجب ماده ۲۲۵ قانون مدنی نیز موارد متعارف داخل در قرارداد است و دخول غیرمقصود محدود به عرف است و خارج از متعارف را نمی‌توان اثر عقد تلقی کرد.

در قراردادهای مهر با موضوع سکه، در مواردی که «عین معین» است با انعقاد عقد زوجه مالک سکه‌های مذکور خواهد شد؛ لکن اگر به نحو رایج، به صورت «کلی» باشد، تعهد به پرداخت با مطالبه است، تعهد با مفهوم عقد رابطه تنگاتنگی دارد، با شکل‌گیری تعهد، علقه محکمی بین طرفین شکل می‌گیرد که بر اساس آن نسبت به یکدیگر دارای حقوق و تکالیفی می‌شوند. (جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۶: ۸۱-۸۲) توانایی الزام و اقتدار تعهد [قراردادی] ناشی از اراده است. (Larombiere, 1862: 23) آنچه عقد را می‌سازد قصد است و عقد بدون قصد محقق نمی‌شود. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۳۶) عدم تحقق عقد بدون قصد ناظر بر میزان تعهد نیز هست و آن مقدار از تعهد که خارج از اراده است محقق نشده است.

مطابق قاعده مسلم فقهی «العقود تابعه للقصد»، عقد تابع قصد و اراده طرفین قرارداد است زیرا عقد محصول و نتیجه قصد می‌باشد و نمی‌تواند نتیجه‌ای خارج از مقصود طرفین ایجاد نماید. این قاعده امضایی است و قبل از اسلام نیز وجود داشته است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۳۷۱) به عنوان مثال در قرارداد مهریه‌های منعقد شده در زمان قبل از گرانی غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی - که از دی‌ماه ۹۶ شروع و در سال ۹۷ شدت فراوان یافت - پرداخت سکه با قیمت روز (چندبرابری و نامتعارف) به هیچ وجه مقصود متعهد (زوج) و همچنین متعهدله (زوجه) نبوده است؛ بر همین مبنا الزام زوج به پرداخت و تهیه سکه به قیمت فعلی که موجب چند برابری قیمت زمان عقد می‌باشد بطور مسلم و قطعی، خارج از مقصود متعهد و به تبع ماهیت قرارداد است؛ بنابراین به استناد قاعده شرعی فوق‌الذکر و همچنین ماده ۱۹۱ قانون مدنی و سایر مواد بعدی مربوط، امری خارج از تراضی و در نتیجه غیرحق و متضمن دارا شدن بلاجهت می‌باشد. در خصوص امکان پرداخت قیمت معادل نوسان متعارف به جای عین سکه نباید تردید نمود؛ زیرا همانطور که گفته شد سکه عینی نیست که موضوعیت داشته باشد

و کاربرد دیگری جز ارزش پولی ندارد؛ بنابراین حکم به پرداخت قیمت سکه حداکثر تا میزان افزایش متعارف با قصد غایی متعاقدين نیز مغایرت ندارد. ضمن اینکه به استناد نظم عمومی اقتصادی و فرهنگی نیز که بیان خواهد شد و حکم حکومتی حاکم اسلامی، چنین امری نه تنها با هیچ اشکالی مواجه نیست، در شرایط نامساعد اقتصادی در زمان نگارش این نوشتار یک ضرورت است.

الفاظ و اعمال بدون قصد فاقد اثر است و در این خصوص به اجماع فقها استناد شده است. (مراغی، ۱۴۱۷: ۵۰) در خصوص خارج از قصد بودن تعهد زوج و نامتعارف بودن ایجاد تعهد به پرداخت سکه با قیمت فعلی و حدود ده برابر شدن در مدتی کوتاه تردیدی نیست، بطوریکه این مقدار افزایش ناگهانی حتی برای بازرگانان و تجار حرفه‌ای و اساتید و متخصصان علم اقتصاد هم امکان حدوث و حتی حدس نبوده است چه برسد به سایر افراد.

در خصوص موارد تخلف از شرط یا تخلف وصف اشکال گردیده است که این موارد نیز مصداق عدم تبعیت عقد از قصد است لکن حکم به صحت عقد شده است. در عناوین جواب داده شده است: در این مورد دو قصد وجود دارد، قصد خرید عین و قصد وصف عین که چون قصد دوم محقق نگردیده است حق فسخ ایجاد شده است. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۳۴) با تحلیل دقیق در موضوع مورد بحث نیز قصد متعاقدين دو جزء است یکی قصد تعهد به پرداخت سکه و دیگری قصد پرداخت سکه حداکثر با قیمت نوسان متعارف. بنابراین الزام به پرداخت با هر قیمت را نمی‌توان موضوع قصد دانست و یا دست کم مورد تردید است. در موارد تردید نیز به اتفاق آراء فقها اصل عدم ترتب آثار قانونی (اصل فساد) نسبت به بخش نامتعارف است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۹۸؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۱۵۹)

اصطلاح «عندالمطالبه بودن مهریه» هیچ مغایرتی با تعهد زوج به قیمت سکه حین العقد با لحاظ نوسان افزایشی متعارف و قبل از شروع گرانی غیرمتعارف ندارد؛ زیرا در این خصوص گفته نمی‌شود مهر عندالمطالبه نیست، بلکه موضوع بحث، میزان تعهد متعهد یعنی زوج است که به همان میزان مقصود و متعارف، عندالمطالبه است نه بیشتر. بر مبنای این تحلیل روشن مطابق مقصود متعهد و همچنین متعهدله در زمان توافق و انعقاد قرارداد مهر، زوج صرفاً متعهد به تهیه سکه حداکثر با قیمت زمان توافق و با لحاظ میانگینی از نوسان متعارف می‌باشد، مثلاً در مورد عقود نکاح منعقد در قبل از

دیماه ۱۳۹۶ حداکثر قیمت دیماه این سال به اراده متعاقدين منسوب است که با توجه به گرانی فعلی و یافت نشدن سکه با قیمت حین‌العقد، زوجه می‌تواند قیمت مذکور به علاوه افزایش متعارف قیمت را دریافت نماید.

مطابق اصل حاکمیت اراده و آزادی قرارداد اساساً فلسفه قرارداد، تحقق قصد طرفین می‌باشد و قرارداد مخلوق اراده آنهاست. قرارداد توانایی ایجاد تعهد یا حقی خارج از قصد را ندارد لذا در اجرای تعهد قراردادی باید عنصر قصد به عنوان خالق عقد ملاک تعیین تعهدات باشد و الزام به تعهدی بیشتر یا خارج از آن ناموجود و نامشروع است.

در جهت روشن تر شدن موضوع و خارج از قصد و اراده بودن سکه با قیمت فعلی، در شرایط نوسان نامتعارف، کافی است تصور نماییم زوجی که در سال ۹۴ تعداد ۱۰۰ سکه به عنوان مهر تعیین و تعهد به پرداخت نموده است و در آن زمان قیمت سکه یک میلیون تومان (مجموعاً صد میلیون) بوده است آیا اگر با قیمت فعلی بوده و یا از آینده افزایش قیمت به دوازده برابری فعلی (مجموع یک میلیارد و دویست میلیون) آگاهی می‌یافت، چنین تعهدی را می‌پذیرفت؟ در بسیاری از موارد قطعاً خیر و حتی اگر تردید در این امر باشد با اجرای اصل عدم، باید آن را منتفی دانست و رأی به برایت مدیون (زوج) نسبت به مازاد داد.

چنانچه در خصوص خلاف این ادعا گفته شود که با توجه به انگیزه‌های مادی در ابتدای روابط خانوادگی به جهت عدم شناخت و عدم قطعیت و اطمینان نسبت به آینده علت اینکه مهریه به صورت سکه تعیین می‌شود با توجه به نوسانات غیرمتعارف آن است تا مهریه ارزش خود را حفظ نماید؛ بنابراین قیمت زمان تأدیه خارج از قصد مشترک نیز نخواهد بود. در پاسخ باید گفت آنچه به طور قطع به عنوان محدوده قصد طرفینی قابل پذیرش است حدود نوسان متعارف است؛ یعنی نوسانی که عرف زمان تعیین مهریه با توجه به نوسانات سالهای ماقبل شناسایی می‌نماید، لکن در بخش نوسان نامتعارف که وضعیتی بی‌سابقه یا کم‌سابقه است، اصولاً قابل انتساب به اراده نیست و یا دست کم دخول آن در قصد مورد تردید است که با اعمال «اصل عدم» باید رأی به خروج آن از قصد واقعی داد. (این بحث در بند بعدی تشریح می‌گردد)

تنها موردی که می‌توان نوسان نامتعارف را مشمول قصد طرفین دانست که بدین امر تصریح و ثابت گردد، البته این مورد نیز به دلیل رویکرد برخورد با نظم عمومی

مشمول موانعی که است که در بندهای مربوطه توضیح داده می‌شود.

۱-۲. رویکرد اعمال اصالة العدم

الفاظ و اعمال بدون قصد فاقد اثر است و در این خصوص به اجماع فقها استناد شده است. (مراغی، ۱۴۱۷: ۵۰) در خارج از قصد بودن تعهد پرداخت سکه با قیمت نامتعارف فعلی و چندین برابر نسبت به نوسان متعارف تردیدی نیست؛ چه این مقدار افزایش ناگهانی حتی برای متخصصین حرفه‌ای و معامله‌گران نیز محتمل‌الوقوع و حتی قابل حدس نبوده است چه برسد به افراد عادی.

با تحلیل دقیق در موضوع مورد بحث نیز قصد متعاقدين دو جزء است یکی قصد تعهد به پرداخت سکه و دیگری قصد پرداخت سکه حداکثر با قیمت نوسان متعارف. بنابراین الزام به پرداخت با هر قیمت را نمی‌توان موضوع قصد دانست و یا دست‌کم مورد تردید است. در موارد تردید به اتفاق آراء فقها اصل عدم ترتب آثار قانونی (اصل فساد) نسبت به بخش نامتعارف است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۹۸؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۱۵۹) به عبارت دیگر در شرایط نوسان نامتعارف، با اجرای اصل عدم، باید تعهد اضافی نامتعارف را منتفی دانست و رأی به براءت مدیون (زوج) نسبت به مازاد داد.

با استناد به اصل عدم در موارد تردید اصل عدم ایجاد امری است؛ در موارد تردید در شمول قصد قیمت فعلی برای متعهد در زمان انعقاد عقد، «اصالة العدم» جاری و عدم تعهد زوج نسبت به تهیه سکه با قیمت مازاد نوسان متعارف و چند برابری می‌باشد و عدم‌مدیونیت زوج به تعهد این بخش را ثابت می‌نماید. وضعیت حادث در زمان نگارش این نوشتار موجب نگرانی فراوان و ایجاد مشقت و سختی «من غیر حق» برای زوج گردیده است که به دلیل فقدان تعهد مقصود زوج نسبت به میزان افزایش پس از گرانی چند برابری و منتفی بودن قصد وی حین انعقاد قرارداد مهریه، رویه فعلی دادگاه‌ها و الزام زوج به پرداخت سکه به قیمت فعلی عملی نامعهود در جریان است؛ زیرا این بخش فاقد منشأ است، در مورد ازدواج‌های منعقد در قبل از گرانی حادث، پرداخت سکه با قیمت زمان پرداخت نوسان نامتعارف که حتی در وهم و خاطر تجار حرفه‌ای طلا و سکه هم نمی‌آمده را به هیچ صورتی نمی‌توان به اراده و مقصود زوجین و عرف نسبت داد.

۱-۳. مغایرت مهریه سکه با نظم عمومی

مهر یا صدق عبارت از مالی است که معمولاً در حین عقد مرد به زن آینده خود می‌دهد. (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۴۶) اهمیت حیاتی خانواده مورد تأکید محققان است؛ چه سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است و همه آسیب‌های اجتماعی متأثر از خانواده ایجاد شده است. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱) در حقوق بسیاری از قراردادها که رنگ اجتماعی دارد به صورت نمونه‌های خاصی درآمده که هم پیمانان ناچار به رعایت مقررات آن هستند، آزادی آنان تنها در این است که از بستن عقد خودداری کنند ولی همین که در این امر تصمیم گرفتند باید چارچوب تراضی را از نمونه‌های پیش‌ساخته قوانین برگزینند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۰۰) «در دوران کنونی به لحاظ آثار اجتماعی فوق‌العاده‌ای که بر برخی انواع رابطه‌های حقوقی خصوصی مترتب می‌گردد، دولت‌ها خود را ناگزیر دیده‌اند در قلمرو تحت حاکمیت خود با وضع قاعده‌های آمرانه در چنین رابطه‌هایی مداخله نمایند و در حدودی که نفع جامعه ایجاب می‌کند در تنظیم آنها مشارکت نمایند، مانند رابطه میان کارگر و کارفرما، روابط موجر و مستأجر و مقررات مربوط به محدودیت انتقال ارز.» (سلجوقی، ۱۳۹۳: ۸۱) بخشی از دکترین حقوق مدنی فرانسه و ایران و به طور خاص رویه قضایی فرانسه، با گذار از اصل لزوم قرارداد و انتخاب مبنایی اجتماعی یا اخلاقی برای اعتبار مفاد قرارداد، سعی در حل تعارض به نفع، اصل حسن‌نیت و اصل عدالت و انصاف قراردادی یا اصل نفی عسر و حرج و اصل لاضرر داشته‌اند و با بسط مفهومی اصول اخیر، سعی در تقدم این اصول بر اصل لزوم و در واقع، سعی در اعلام برتری این اصول در میان اصول قراردادی داشته‌اند. (شهابی، ۱۳۹۳: ۸۵) آثار و رویکرد اضطرابی اجتماعی برای اقدام هر چه سریعتر قانون‌گذار و مجریان برای چاره‌اندیشی در این خصوص روشن است؛ بطوریکه این مسأله مشکلات فراوان اجتماعی از جمله نگرانی و استرس برای زوج و خانواده وی و فشار اقتصادی ناروا ناشی از تعهدی فراتر از مقصود، افزایش زندانیان و حتی خروج آنها از کشور برای رهایی از الزام به پرداخت مازاد نامشروع و غیرقانونی را سبب گردیده است. وضعیت کنونی قرارداد مهر بدون تردید رنگ اجتماعی به خود گرفته است و نمی‌توان آن را یک قرارداد خصوصی صرف دانست، وقتی در جامعه با آزاد گذاشتن طرفین در تعیین نوع و میزان مهر به نوعی فرهنگ‌سازی اجتماعی را در این باره رقم

می‌زند، عدم نظارت و دخالت دولت در آن تبعاتی جبران‌ناپذیر و فراگیر خواهد داشت بطوری که به راحتی امروزه دست‌کم نود درصد از مهریه‌ها به صورت سکه تعیین می‌شود و غالب رایج در این موارد نیز تعداد ارقام نسبتاً بالاست. رها کردن این توافقنامه یک فرهنگ را ایجاد و بسط داده است که با اهداف اصلی قرارداد ازدواج یعنی همزیستی دو شخص به جهت مساعدت و یاری یکدیگر به طور مسالمت‌آمیز و جنبه‌های شخصی و معنوی مغایر است. همچنین تأثیر منفی آن در نظم اقتصادی بویژه در شرایط فعلی کشور ضرورت تدبیر قانونی را اثبات می‌نماید. این قرارداد مصداق ماده ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است.

۱-۳-۱. مغایرت با نظم عمومی خانوادگی و فرهنگی

از آنجا که «فرهنگ»، ریشه تمام رویکردهای اجتماعی، اعم از اقتصادی و علمی است، به عنوان یک زیرساخت در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی نباید از نظارت حاکمیت مغفول بماند. چنانچه در زندگی مشترک تقابل، کسب سود و اتکاء به تعهد مالی به جای تعامل، آرامش و تکیه به اخلاق و معیارهای معنوی و انسانی به فرهنگ تبدیل شود نمی‌توان توقع خانواده‌ای امن با روح همکاری و النهایه سلامت اجتماعی داشت. از نظر خاستگاه، حق به شرعی، قانونی و اخلاقی تقسیم شده است. (نبویان، ۱۳۸۸: ۲۴۰) در نظریه اخلاق فضیلت ارسطو، فضیلت‌های اخلاقی ذاتاً ارزش دارند و مهمترین وسیله برای رسیدن به سعادت تلقی می‌شود. (ارسطو، ۱۳۷۸: ۱۰۹۷) خانواده نیز از مواردی است که موضوع گفتمان حق‌های اخلاقی بوده است. (جونز، ۱۳۸۷: ۷) در تبیین منطقی هر آنچه باعث شود خانواده را به حقوق رقابتی نزدیک کند اخلاقاً مذموم است زیرا اساس و بنیاد این نهاد بر هم‌زیستی است نه کسب سود و امتیاز مادی که از ضرر طرف مقابل بدست آید.

خانواده بنیادی‌ترین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است که به عنوان هسته اجتماع آثار منفی و مثبت آن به سایر واحدهای اجتماعی سرایت می‌کند. در اسلام خانواده عزیزترین و محبوب‌ترین بنا معرفی شده است. (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۲۶۶) در حقوق غرب نیز جامعه‌شناسان در باب اهمیت خانواده، مطالعه خانواده را مطالعه جامعه می‌دانند. (برناردز، ۱۳۹۰: ۵۵) حقوق خانواده به شدت مبتنی بر مصالح اجتماعی است و برخلاف سایر

عقود و معاملات جامعه خود را در استواری پیوند زناشویی سهیم می‌داند. (طالب احمدی، ۱۳۹۱: ۹۲) با کمال تأسف در قرن بیستم مبتنی بر گفتمان حق محور، افراد در اثبات شایستگی و درستی رفتار خود به حق استناد می‌نمایند، تا آن حد که بدون توجه به تفاوت‌های خاص مرد و زن نیازها و ضرورت‌های اجتماعی آن دو را کورکورانه و سطحی یکسان دانسته و با نگاه ابتدایی، مشابه بودن آنها در همه ابعاد اجتماعی را حق جلوه داده‌اند و توجه به ساختار آنها را ناحق و خلاف حقوق بشر می‌دانند و منتهی به ظهور انحرافات مانند فمینیسم گردیده است. پس‌اساختاران و فمینیست‌ها بر آن شدند که از خانواده و جنسیت نهادزدایی کنند. (Gagger and Wright, 1999: 13-14)

در خصوص موضوع نوشتار در برخی اظهارنظرها ممکن است با نام حقوق زن، نظرات مخالف بیان گردد، در حالی که بر اساس حاکمیت اراده‌ها این تعهد قانوناً خارج از قرارداد مهریه بوده و از نظر اجتماعی نیز گویا ازدواج را با تجارت اشتباه گرفته‌اند و جلوگیری از کسب سود نامشروع و ناحق را بنام دفاع از حقوق زن نقد می‌کنند، حال آنکه افزایش قیمت سکه رابطه معناداری با افزایش جدایی‌ها و به اجرا گذاشتن مهریه داشته است؛ به طوری که سودآور بودن آن و وصول مبالغ هنگفت و سوسه‌انگیز بوده و اتفاقاً به متلاشی شدن خانواده‌ها و زندگی مشترک دامن زده است. از طرف دیگر سبب خودداری مردان مجرد از تن دادن به ازدواج و تبعات بعدی از جمله روابط آزاد و زمینه بیشتر برای فحشا می‌گردد. مطابق تحقیقات علمی جامعه‌شناسی غرب نیز در ایالات متحده و اسکاندیناوی روابط جنسی نامشروع با بالا رفتن آمار طلاق و کاهش ازدواج، افزایش می‌یابد. (Lesthaeghe, 2010: 3)

مضمون آیه ۳۲ سوره مبارکه نور و روایات حاکی از اینکه ازدواج سنت رسول الله (ص)، محبوب‌ترین بنا، وسیله حفظ نصف دین، واسع رزق، کثرت نسل و گوینده لاله الا الله، عبادت تلقی شدن با قصد قربت و کراهت امتناع از ازدواج و تعبیر به رذل‌ترین مردگان برای کسی که با بی‌زنی عمر خود را بسر نماید (قمی، ۱۳۸۸: ۲۷۲-۲۷۱) همگی نشان از اهمیت معنوی و اجتماعی این نهاد در جامعه اسلامی دارد که بدون تردید موانع آن مغایر نظم عمومی خانوادگی و اجتماعی است، مهر سکه در شرایط فعلی عامل مؤثری در انحراف ازدواج‌های صورت گرفته از رسالت اصلی و همزیستی به طلاق عاطفی و النهایه طلاق ثبتی و مانعی مهم در ازدواج آسان و موجب تأخیر بسیاری

از ازدواج‌هاست. با تعمق و ژرف اندیشی در نتایج، این دفاعیات در عمل لطمات شدیدی را بر حق زندگی مشترک زن که مهم‌ترین حق اجتماعی اوست وارد آورده و او را از ادامه یا شروع زندگی زناشویی قانونی و مشروع باز داشته است. به عبارت آخری در این اظهارات بنام دفاع از حقوق زن تیشه به ریشه حقوق وی می‌زنند.

در قرآن کریم زوجه را «لَيْسَكُنْ إِلَيْهَا» (اعراف، ۱۸۹) و هدف آن را «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم، ۲۱) معرفی می‌کند و «مَوَدَّةٌ وَ رَحْمَةٌ» را به عنوان دو دستاورد آن بیان می‌کند. آیات مذکور در مقام معرفی هدف اصلی و فلسفه تشکیل زندگی مشترک زن و مرد است. «نقش همسر آرام‌بخشی است. محبت، هدیه‌ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی بدست نمی‌آید. هرکس با هر عملی که آرامش و مودت و رحمت خانواده را خدشه‌دار کند، از مدار الهی خارج و در خط شیطان است. مودت و رحمت عامل بقا و تداوم آرامش در زندگی مشترک است.» (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۸۹)

در شرع مهر زاید بر ۵۰۰ درهم کراهت دارد. (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۶۵) لکن در دو دهه اخیر تعیین مهر به صورت سکه و تعداد زیاد رایج شده است. تعیین سکه و طلا به عنوان «مهر» آن هم با ارقام خارج از توان پرداخت زوج با نگاهی به آمار و واقعیات امروزه به نوعی مخل مودت و رحمت بین زوجین است که وقتی فراگیر می‌شود، بدون تردید جزیی از فرهنگ عمومی مردم شده است و باید در انتظار تبعات فاسد آن بود. این پدیده می‌تواند مصداقی از تبعات مدرنیزاسیون باشد، گذر مهریه از میزان کم و معقول سابق به نوع و میزان فعلی ناشی از تغییر نگاه و اقتصادسنجی ماتریالیستی به ازدواج است. این تبعات از بعد اجتماعی، تضعیف نگاه عاطفی و سازگاران به نهاد خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی مؤثر در همه ابعاد زندگی اجتماعی را به دنبال دارد. تبدیل نگاه عاطفی و سازگاران به نهاد خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی و هسته جامعه به نگاه تجارت‌مآبانه و ارزش‌گذاری زن با سکه مسأله‌ای نیست که بتوان با اغماض بدان نگریست و از کنار آن عبور نمود.

به زعم برخی محیط قانون مدنی گاهاً مناسب با حقوق کامجویانه است، قاعده اجرت‌المثل، محاسبه مهرالمثل با سنجش وضعیت زن نسبت به امثال و و اقران و اقارب و تعبیر نشوز صرفاً به عدم تمکین خاص همچون نظر به کلاست. (جعفری‌تبار، ۱۳۸۷: ۱۱۸) تحلیل مهر به ثمن بضع صحیح نیست. (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۴۶) این نگاه به

تدریج هدف عقد ازدواج را از فلسفه ایجاد آن دور می‌سازد. ارزش به عنوان هر آنچه برای وصول به هدف مطلوب است، باید معیار قانون‌گذاری باشد، اگر هدف غایی تشکیل خانواده رسیدن به سعادت است، نمی‌تواند هدفی جز حرکت همسوی مرد و زن داشته باشد و هر چه مخالف آن باشد ضد ارزش است. مهریه به عنوان یک قرارداد در کنار عقد ازدواج باید در جهت و همسو با اهداف آن و زندگی مشترک باشد و چنانچه به اهداف عقد اصلی (ازدواج) که ایجاد پیوند عاطفی و انسانی و معنوی زوجین است، لطمه وارد نماید و حتی به تدریج موجب انحراف از فلسفه و چرایی تشکیل خانواده گردد، موضوعی درخور چاره‌اندیشی تقنینی و ورود قانونگذار و حاکمیت برای صیانت از آن است.

بدون تردید کیفیت و دوام عقد ازدواج مبتنی بر اخلاق است. اخلاق جمع «خلق» عبارت از مجموعه ملکاتی است که لزوماً منجر به رفتارهای خارجی می‌گردد. (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۱) هدف از زندگی انسان این است که خود را به انواع کمالات بیاراید و اکتساب صفات حمیده و اخلاق پسندیده نماید. (نراقی، ۱۳۹۴: ۱۵) مهم‌ترین مشکلی که جامعه بشری را تهدید می‌کند و صلح و امنیت را به خطر می‌اندازد، رذائل اخلاقی است. (دین‌پور، ۱۳۹۲: ۲۷) تفکر تجارت‌گونه مهر طلا در عقد ازدواج مبتنی بر نگاه اخلاق‌مدارانه به این پیوند نیست و رویکرد آن تضعیف و نحیف شدن معیارهای اخلاقی در برابر ثروت‌گرایی و اصالت معیارهای مادی است.

تبعات فرهنگ ناخوشایند تعیین مهر سکه و طلا حکایتی تلخ از نگاه اقتصادمدارانه و معامله‌گرانه به عقد نکاح دارد. این کالا به عنوان مالی که موجب حفظ قدرت اقتصادی و کسب سود تجاری می‌گردد، افشاکننده اهداف و رویکردهای بعدی آن است که بویژه در دو دهه اخیر افزایش یافته و این توافق تبعی، هدف عقد اصلی را تحت شعاع و آن را متأثر ساخته است.

قناعت و سادگی زیستی از مؤلفه‌های کلیدی آرامش در زندگی است، (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۲۳۴-۲۳۶) در زندگی حضرت فاطمه علیهاالسلام عبودیت و بندگی خداوند اساس زندگی بوده است و در تعیین مهریه، خرید جهاز و تمام مسایل خانوادگی ملاک رضایت خداوند بود و علی (ع) فردای روز عروسی در وصف وی فرمودند: «نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۱۷) همان همسری که وقتی رسول‌الله او

را در لباسی از پشم شتر در حال آسیاب و شیر دادن به فرزندش دید و او را به صبر دعوت نمود وی بدون هیچ گلایه‌ای در مورد وضعیت مالی از پروردگار خویش سپاسگزاری نمود. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۳۸۲؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۴۴۵) و کمبودهای مواد غذایی را به همسرش اطلاع نمی‌داد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۵۹) پیشانی علی (ع) نیز از کثرت سجده همچون زانوی شتر بود. (ابن ابی حدید، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۷)

مهریه عندالمطالبه است لکن واقعیت این است که به دلیل بالا بودن و اینکه خارج از توانایی مرد است اغلب در زمان اختلاف از آن استفاده می‌گردد. چگونه می‌توان هنوز مهریه را هدیه‌ای از طرف مرد به زن با رویکرد افزایش مهر و محبت یاد کرد وقتی از آن به مثابه اهرم فشاری علیه طرف دیگر استفاده می‌شود. با ماهیت و فلسفه این عقد ناهماهنگ است که با نگاه اقتصادی تجارت‌گونه برای توجیه آن به عنوان ابزاری دفاعی برابر مرد در مقابل حق شرعی طلاق از آن دفاع نمود در حالی که عقد ازدواج و زندگی مشترک ماهیت عاطفی، معنوی و همکاری دارد نه تقابل و رقابت.

نمی‌توان از آن با توجیه مانعی برای طلاق و جدایی دفاع کرد حال آنکه این نتیجه یا حاصل نمی‌شود و یا در مواردی اگر محقق شود، نتیجه‌ای جز طلاق عاطفی^۱ و در موارد خوش‌بینانه اجبار مرد به زندگی بی‌روح و سرد در بر ندارد. کافی است توالی فاسد آن مانند زندگی توأم با درگیری و روح‌فروسا با تأثیر مخرب روحی و روانی و جسمی بر فرزندان به عنوان اعضای فعال آینده جامعه یادآوری شود و در مواردی به فساد اجتماعی ناشی از روابط نامشروع متأهلان رسمی عنایت نمود.

چگونه می‌توان از مهریه به عنوان وسیله ایجاد تساوی حق زن و مرد در رقابت با حق شرعی طلاق سخن گفت حال آنکه نگاه دوراندیشانه بدان چیزی جز مطلقه شدن قانونی یا عاطفی زن از یک طرف و از طرف دیگر فشار ناروا بر مرد برای پرداخت مهریه‌ای که عرف مطالبه آن از سوی زن را محتمل می‌داند نه حتمی، زندانی شدن و یا متواری شدن وی به عنوان طرف دیگر عقد غیرمالی و معنوی و مقدس ازدواج و رویکرد منفی فرهنگی ناشی از مغابنه‌ای شدن ازدواج ثمره دیگری ندارد. کدایی بودن دفاع از مهریه سنگین، زمانی تقویت می‌گردد که نفقه، اجرت‌المثل، نحله، شرط نصف

۱. طلاق عاطفی عبارت از روابط سرد بین زوجین است که ضعف روابط عاطفی و احساسی سبب سردی تمام رابطه‌های

یک زوج می‌گردد. (رحمانی فیروزجاه و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۹)

دارایی به عنوان حقوق اختصاصی زوجه برای حمایت مالی را به خاطر آورد. وقتی صحبت از اخلاق تجارت به عنوان یک نظام اخلاقی عملی شامل اصول اخلاقی در فعالیت‌های تجاری می‌شود. (مارکوس، ۱۳۸۷: ۳۱۶) چگونه می‌توان افزایش ناعادلانه چند برابری نامعهود سکه مهریه به عنوان عقدی مبتنی بر عطا و بخشش را عادلانه دانست.

کاربونیبه اصل حاکمیت اراده را اساس حقوق تعهدات می‌داند. بر اساس اصل حاکمیت اراده، انسان آزاد و مختار است و در فعالیت‌هایش از جمله انعقاد عقد، آزادی دارد، این اختیار باید در چارچوب محدودیت‌های قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه محقق شود نه خارج از آن یا غیر آن. (carbonnier, 1956: 53) در شرایطی که در مدت کوتاهی قیمت سکه و طلا به سه یا چهار برابر افزایش یابد در حالی که غالب مردان جامعه کارمند یا کارگر و از قشر متوسط و ضعیف هستند و از طرف دیگر بدون افزایش درآمد به دلیل کاهش ارزش پول ملی، قدرت خرید وی برای ضروریات زندگی به یک سوم یا بیشتر کاهش یافته است بدون تردید از نظر اخلاق حسنه امری ناپسند است.

۱-۳-۲. مغایرت با نظم عمومی اقتصادی

«در نظم عمومی اقتصادی به مفهومی که امروز وجود دارد، دولت در پی آن است که اقتصاد را رهبری کند و قراردادهای خصوصی را نیز به عنوان عامل توزیع ثروت، در نظارت خود بگیرد، پس نه تنها آثار این پیمان را به طور امری بر دو طرف آن تحمیل می‌کند، گاه آزادی پیمان بستن یا خودداری از آن را از اشخاص می‌گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۶۶) قرارداد مهر در شرایط نوسان نامتعارف قیمت بدون تردید ناعادلانه است و تبعات آن با نظم عمومی اقتصادی جامعه مرتبط است. طلا فلزی گرانبها و استراتژیک بوده و نقش برجسته‌ای در زمینه پیشرفت جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی به عهده دارد، بخش عمده پس‌اندازهای مردم که با افزایش قیمت طلا تحت تأثیر قرار می‌گیرد به سمت خرید آن سوق می‌یابد، تغییرات قیمت این کالا نقش مهمی بر سرمایه‌گذاری و کیفیت آن خواهد گذاشت. قیمت سکه در ایران نه تنها تحت تأثیر قیمت جهانی طلا، دلار و نفت است بلکه عوامل داخلی و شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز بر آن مؤثر است. (دلآوری، ۱۳۸۹: ۵۷) از مصادیق مهم این عوامل اجتماعی و فرهنگی اجرای مهریه‌های سکه با قیمت زمان پرداخت است. آمار قابل توجه این مهریه‌ها میزان

این تأثیرگذاری را روشن می‌سازد.

طلا به عنوان یک دارایی مهم تغییرات و نوسانات روزانه آن در وقایع و رویدادهای مالی و اقتصادی بسیار برجسته است. بهای این کالای مهم و تأثیرگذار نیز تحت تأثیر قانون عرضه و تقاضا می‌باشد. هجوم مردان گرفتار در مهریه بخش مهمی از این تقاضا را رقم می‌زند. با افزایش قیمت طلا آمیزه‌ای از حرص، ترس و عدم اطمینان بر بازار حاکم می‌شود که در پی آن با سرازیر شدن سرمایه‌های مردم به سوی طلا، بازارهای داخلی و تولید دچار رکود می‌شود که با توجه به گستره تأثیر آن عاملی مختل در نظم عمومی اقتصادی جامعه محسوب می‌شود.

در تئوری کارآیی اقتصادی با توجه به فقدان عقلانیت کامل طرفین در انعقاد قرارداد، دولت می‌تواند با اقداماتی باعث شود طرفین با تحلیل درست، ترجیحات پایدار خود را اولویت‌بندی کنند. (Weatherill, 2005: 85) و با این فرض که عقلانیت دولت کامل است به جای طرفین قرارداد جایگزین شده و در قرارداد مداخله نماید. (Weath-erill, 2005: 119) حتی اگر در قراردادهای معوض به عنوان یکی از عناصر فعالیت‌های اقتصادی، دخالت دولت‌ها سبب طرح ایراد تعارض با عدالت توزیعی می‌شود (Ken-edy, 1982: 571) در خصوص قرارداد مهریه که رایگان و مجانی است این ایراد سالبه به انتفای موضوع است. از جهت رویکرد اقتصادی اجتماعی در شرایط فعلی و آتی، اجرای مهریه‌های سکه و طلا یکی از علل مهم مشکلات اقتصادی کشور است؛ بطوری که موجب دامن زدن به گرانی سکه و طلا به عنوان یکی از کالاهای شاخص در تعیین قیمت سایر کالاها گردیده است و این مسأله ناشی از تقاضایی است که از سوی مردان در حال پرداخت مهریه به بازار وارد می‌شود.

وقتی هر نوع تغییری در عرضه و تقاضا می‌تواند باعث تغییرات در بازار طلا شود، (مشایخ و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۶ و ۱۱۷) یقیناً اجرای مهریه سکه آن هم با قیمت زمان تورم و نابسامانی اقتصادی در اختلال نظم اقتصادی سهمیم خواهد بود. آنجا که فعالیت‌ها و اعیاد ملی مذهبی به عنوان عامل افزایش تقاضای سکه و طلا و به تبع قیمت آن در ایران قلمداد می‌شود. (مشایخ و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۷؛ دلاوری، ۱۳۸۹: ۶۷) مهریه عاملی روزانه و مداوم در طول سال سهمی چند ده برابری در افزایش این بحران خواهد داشت.

وجود انتظارات تورمی، نوسانات نرخ ارز و اعلام تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند نوعی هیجان را در بازار طلا ایجاد نماید و سبب افزایش تقاضا گردد، در نتیجه این افزایش تقاضا قیمت طلا افزایش یافته و از مقدار واقعی خود فاصله می‌گیرد. (صمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۸) لزوم پرداخت سکه به قیمت روز در چنین شرایط نابسامان و وضعیت بحران اقتصادی عامل مهمی در دامن زدن به این هیجان است که با افزایش قیمت طلا از یک طرف باعث افزایش جاذبه در این بخش برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش یا تعطیلی فعالیتها و بنگاههای تولیدی خواهد شد و از طرف دیگر این افزایش قیمت در چنین شرایط نامساعد و هیجانی سبب افزایش قیمت سایر کالاها خواهد شد. یکی از اساتید حقوق در تبیین ضرورت دخالت دولت در عقود اجاره موضوع قانون موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ بیان می‌دارد: «دولت برای رسیدن به به اهداف خویش نظمی را برقرار می‌سازد که قراردادها باید پیرو آن باشند لذا نظم عمومی اقتصادی که پیوسته در حال دگرگونی و تحول است که این سیر تند و دائمی را قانونگذار رهبری می‌کند و به ندرت دادرسان در آن دخالت می‌کنند». (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۶۷) وضعیت مهریه در شرایط کنونی با لحاظ آثار اقتصادی و فرهنگی ضرورتی بیش از قرارداد اجاره در آن زمان دارد.

۱-۴. تعذر پرداخت و مقدور نبودن مهریه

یکی از مبانی انتفاء مهریه‌های سکه طلا در شرایط کنونی، استناد به قاعده عمومی «بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضونه» است (بجنوردی، بی‌تا: ۲۵۵) می‌باشد؛ که به موجب آن تعهد ناممکن، باطل است. عموم بطلان قاعده موارد عین معین و کلی فی الذمه را نیز در بر می‌گیرد. مهریه‌های سکه شایع در عصر حاضر، حداقل برای غالب مردان جامعه ایران، مصداق این قاعده فقهی است. برای مرد کارگر یا کارمند و مشاغل این چنینی پرداخت حتی سی سکه با قیمت هر سکه ده میلیون یا بیشتر تعهدی متعذر محسوب می‌شود. تعذر وفا در وضعیت نوسان تصاعدی قیمت در مدت زمانی کوتاه به نحو غیرقابل حدس نسبت به زمان ایجاد تعهد موضوعی مبرهن است. از مصادیق حدیث رفع «آنچه نمی‌دانند» (ما لایعلمون) و «آنچه طاقت آن را ندارند» (ما لایطیقون) است؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۳) که مقصود از آن رافعییت در جمیع

احکام است. (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۴۸) در حالت حادث فعلی که به فاصله سه سال (سال ۹۶ تا ۹۹) که ارزش ریالی سکه دوازده و گاه شانزده برابر شده است، به طور مسلم تأدیه آن به بهای روز، به دلیل عدم سابقه، نسبت به تعهدات ایجاد شده پیش از تورم نامتعارف، مصداق «ما لایعلمون» و نسبت به اکثر افراد جامعه به دلیل عدم قدرت تأدیه مصداق «ما لایطیقون» می‌باشد. چه چنین تعهدی به طور نوعی متجاوز از توان و طاقت زوج است؛ زیرا به دلیل تورم و افزایش قیمت، ادای تعهد ناشی از مهریه عمری حدود چهارصد ساله را می‌طلبد.

از طرفی مورد قرارداد باید مقذور باشد. عین معین باید قابل تسلیم و تعهد نیز باید ایفای آن مقذور باشد، موضوع تعهد اگر قابلیت ایفا نداشته باشد، در عمل بی‌اثر است. بر این مبناست که قرارداد نامقذور باطل است. این اثر در مواد ۳۴۸ و ۴۷۰ قانون مدنی آمده است. در صورتی که سکه به صورت عین معین تعیین شود در حالی که قابل تسلیم نباشد به استناد مواد مذکور مهر باطل است. که امکان توافق بعدی وجود دارد، البته با نزدیکی قبل از توافق به تصریح ماده ۱۰۷۸ ق.م «مهرالمثل» حاکم می‌گردد. در فرض مذکور در شرایط عارض شدن عدم قدرت بر تسلیم، مشمول ماده ۳۷۸ ق.م و انفساخ مهریه از آن همان حین است.

در مهریه سکه به نحو شایع که به صورت کلی فی الذمه تعیین می‌گردد در حالت عدم توان پرداخت از سوی زوج در واقع مصداق وضعیت تعهد نامقذور است، چه فلسفه ضمانت اجرای بطلان و انفساخ در حالت نامقذور، به دلیل غیرقابل اجرا بودن آن است در این شرایط با توجه با لزوم شرط قدرت معلوم و حداقل تردید در قدرت تسلیم باید تعهد را غرری و در نتیجه باطل دانست. (شهیدی، ۱۳۶۸: ۱۰۱ و ۱۰۲)

در وضعیتی که متعاقب تعیین مهریه، تورم عارضی نامتعارف سکه موجب می‌شود که ادای آن از توان زوج خارج شود، مطابق تحلیل حقوقی اجرای بخش افزایشی قیمت نامتعارف غیرقابل اجراست؛ بر این اساس باید آن را به مثابه مصداق بارز تعهد نامقذور دانست. در بیان نمونه کارمند یا کارگری که حقوق ماهیانه دارد و در سال ۹۶ تعهد به ۱۰۰ سکه طلا نموده است، میزان تعهد وی در سال ۹۷ چهار برابر و و در سال ۹۹ حدود ۱۶ برابر شده است. وضعیت حادث با لحاظ میزان درآمد وی، بدون تردید پرداخت آن به قیمت روز به نسبت بخش افزایش نامتعارف قیمت، خارج از قدرت بوده و قابل مطالبه نیست.

۱-۵. اعمال حق حبس زوجه و عدم تمکین وی یکی دیگر از مشکلاتی که مهریه‌های سنگین سکه آستن آن است، امکان عدم تمکین ابتدایی زوجه ناشی از اعمال حق حبس قانونی وی است؛ این امر به عنوان یک حق قانونی رویکرد عدم تشکیل زندگی را در پی خواهد داشت، چه به موجب ماده ۱۰۸۵ ق.م.زوجه می‌تواند تمکین را منوط به پرداخت مهر نماید و در این دوران نفقه نیز بر عهده زوج است. با توجه به رأی وحدت رویه ۷۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲ که تقسیط مهریه را مسقط حق حبس زوجه ندانسته و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ که حق حبس را به مفهوم گسترده و عام آن و شامل مطلق وظایف شرعی و قانونی تفسیر نمود، در وضعیت حاضر که شیوه غالب جامعه است، مهریه‌های سکه بویژه با لحاظ افزایش‌های تکانشی و ناگهانی آن در دوره‌های اخیر و در نتیجه عدم امکان ایفای آن به قیمت روز، مانعی واقعی در شروع زندگی است که با تأمل در پیامدهای اجتماعی مطروحه در مباحث پیشین و در سطح کلان اجتماعی، کاهش جمعیت و آثار بعدی آن، نمی‌توان بدان بی‌اعتنا بود.

۲. طرح راهکارهای حقوقی

۲-۱. تعدیل تعهد به قیمت متعارف

در قراردادهای مهر با موضوع سکه، چنانچه بصورت «عین معین» تعیین شود با انعقاد عقد مالکیت سکه‌های مشخص و موجود به زوجه منتقل می‌گردد؛ لکن به نحوی که رایج و غالب است، چنانچه کلی فی‌الذمه باشد چون بصورت تعهدی است که حین عقد برای زوج ایجاد می‌شود تا پس از مطالبه زوجه از سوی زوج پرداخت گردد و از سویی سکه، برخلاف سایر کالاها و یا طلاهای زینتی، جز قیمت آن استفاده خاص دیگری بجز ارزش ریالی ندارد حکم به پرداخت قیمت معادل قصد قراردادی و حداکثر تا نوسان متعارف با آنچه خواسته‌اند، مبیانت ندارد.

رویکرد ناشی از تحلیل این راه‌حل اینگونه خواهد بود که قدر متیقن معهود، «قیمت زمان عقد به اضافه میزان متعارف» از نوسان معمول در بازار طلا می‌باشد؛ زیرا بر اساس ماده ۲۲۵ قانون مدنی دخول غیرمقصود محدود به عرف است و خارج از متعارف را نمی‌توان اثر عقد تلقی کرد.

به عنوان نمونه با توجه به افزایش فوق العاده قیمت سکه و طلا در خصوص عقود منعقدۀ از دیماه سال ۹۶، حداکثر قیمت همان زمان (دیماه ۹۶) که میزان متعارف در بازار است، قابل انتساب به اراده متعهد و متعهدله و متکی به ماده ۲۲۵ ق.م است که حتی در صورت جهل بدان با وحدت ملاک از نقش عرف در تعیین توابع مبیع و عبارت «...اگر چه در عقد، صریحاً ذکر نشده باشد و اگر چه متعاملین، جاهل بر عرف باشند» دلالت بر عدم تعهد مازاد بر عرف دارد. همچنین ماده ۳۵۶ قانون مدنی نیز بر این محدوده تصریح نموده است.

بنابراین با تحلیل دقیق قانونی النهایه زوج صرفاً مکلف به پرداخت قیمت حین العقد با لحاظ نوسان متعارف افزایش نسبت به زمان عقد یا حداکثر قیمت قبل از گرانی نامتعارف است که در گرانی حادث در مثال مذکور تقریباً از دیماه ۹۶ آغاز گردید. در قرارداد مهریه، زمان ایجاد تعهد، زمان عقد است؛ لکن لزوم پرداخت پس از مطالبه می‌باشد. میزان و محدوده تعهد در زمان عقد صورت می‌گیرد که به تصریح ماده ۱۹۱ قانون مدنی با قصد زوجین محقق می‌گردد. واکاوی اراده جهت کشف واقع باید در شرایط مسلم این زمان صورت پذیرد در موارد تغییر قیمت در زمان پرداخت چنانچه بی‌سابقه و خارج از معمول و متعارف باشد به هیچ وجه نمی‌توان آن را نه به اراده متعهد و نه به عرف منسوب نمود.

در قرارداد مهریه‌هایی که قبل از گرانی غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی به هیچ وجه مقصود متعهد (زوج) و همچنین متعهدله (زوجه) نبوده است بنا بر همین مبنا در چنین شرایطی الزام زوج به پرداخت و تهیه سکه به قیمت روز بطور مسلم و قطعی، خارج از مقصود متعهد و به تبع بیرون از اثر قرارداد است؛ لذا به استناد قاعده شرعی مسلم فقهی «العقود تابعه للقصود»، و همچنین ماده ۱۹۱ قانون مدنی و سایر مواد بعدی مربوط، دریافت آن مشمول قاعده دارا شدن بلاجهت می‌باشد. در خصوص امکان پرداخت قیمت معادل نوسان متعارف به جای عین سکه نباید تردید کرد زیرا همانطور که گفته شد سکه عینی نیست که موضوعیت داشته باشد و کاربرد دیگری جز ارزش پولی ندارد؛ بنابراین حکم به پرداخت پول با قصد غایی متعاقدين نیز مغایرت ندارد.

ایراد نگردد که قصد دو طرف قرارداد مهر باید ملاک باشد زیرا آنچه در بیان خروج قیمت نوسان نامتعارف گفته شد در خصوص اراده هر دو طرف یعنی زوج و زوجه

است، یقیناً افزایش سه یا چهار برابری در مدتی کوتاه در شرایط فعلی که در سال ۹۷ و متعاقب آن تا بیش از دوازده برابر رخ داد، حتی به زعم کارشناسان و بازاریان بازار طلا نیز خطور نکرده است، ضمن اینکه گفته شده چنانچه بین تسمیه و اشاره یا بین اشاره و صفت تعارض رخ دهد، باید قصد فردی که اشاره و تسمیه و توصیف از او صادر شده است، در نظر گرفته می‌شود و هر آنچه منطبق با قصد نبوده باطل می‌باشد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۴، ص ۶۰۵) در قرارداد مهر مصدر قصد، متعهد (زوج) می‌باشد لذا با اتخاذ وحدت ملاک حتی چنانچه بین پرداخت سکه با قیمت حین عقد و حداکثر نوسان متعارف و پرداخت به قیمت نامتعارف تردید شود، ملاک قصد زوج است که با نبود تصریح یا قرینه، عدم تعهد نسبت به بخش نامتعارف ثابت است.

اصطلاح «عندالمطالبه بودن مهریه» هیچ مغایرتی با تعهد زوج به قیمت سکه حین العقد با لحاظ نوسان افزایشی متعارف و قبل از شروع گرانی غیرمتعارف ندارد؛ زیرا در این خصوص گفته نمی‌شود مهر عندالمطالبه نیست، بلکه موضوع بحث میزان تعهد متعهد یعنی زوج است که به همان میزان مقصود و متعارف، عندالمطالبه است نه بیشتر. به عبارت دیگر مهریه عندالمطالبه است نه عندالتأدیه، «عندالمطالبه صفت اسناد یا دیون بدون موعد و أجل است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۴۷۶) بنابراین عندالمطالبه به معنی ضرورت پرداخت هنگام مطالبه است نه الزاماً پرداخت به قیمت حین تأدیه؛ چون مطالبه حقی است برای متعهدله نسبت به حق اصلی که قبلاً ایجاد شده است. بنابراین به شرح مذکور، در شرایط نوسان نامتعارف قیمت «قیمت زمان پرداخت» را به هیچ صورتی نمی‌توان به اراده و عرف به عنوان منبع تعهد قراردادی مهر نسبت داد. از طرف دیگر زوج که به موجب حکم شرعی و قانونی و به موجب حکم افسار و تقسیط مهلت گرفته تا در مواعد پرداخت کند، نباید تاوان تورم و نابسامانی قیمت سکه که هیچ نقشی در آن نداشته را بر وی تحمیل نمود.

بر مبنای این تحلیل روشن مطابق مقصود متعهد و همچنین متعهدله (زوجین) در زمان توافق و انعقاد قرارداد مهر، زوج صرفاً مکلف به تهیه سکه حداکثر با قیمت زمان توافق و با لحاظ میانگینی از نوسان متعارف می‌باشد، مثلاً در مورد عقود نکاح منعقد در قبل از دیماه ۱۳۹۶ حداکثر قیمت دیماه این سال به اراده متعاقدین منسوب است که با توجه به گرانی فعلی و یافت نشدن سکه با قیمت حین العقد، توجه می‌تواند

قیمت مذکور را دریافت نماید.

۲-۲. ممنوعیت یا محدودیت تعیین سکه به عنوان مهر

رها کردن این توافقنامه یک فرهنگ را ایجاد و بسط داده است که با اهداف اصلی قرارداد ازدواج یعنی همزیستی دو شخص به جهت مساعدت و یاری یکدیگر به طور مسالمت‌آمیز و جنبه‌های شخصی و معنوی مغایر است. همچنین تأثیر منفی آن در نظم اقتصادی بویژه در شرایط فعلی کشور ضرورت تدبیر قانونی را اثبات می‌نماید؛ این قرارداد مصداق ماده ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است.

احکام حکومتی یا احکام ولایی مقررات و دستوراتی است که رهبر جامعه اسلامی در خصوص مسائل اجتماعی در راستای مصلحت جامعه صادر می‌کند. (جعفری، ۱۳۶۹، ۳۰۵) با توجه به حدوث مسائل جدید در جامعه و ضرورت حل آنها برای تطبیق با مقتضیات زمان، حکومت اسلامی اختیار دارد احکام حکومتی متناسب را صادر نماید. (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۵) امام علیه‌السلام و والی مسلمین می‌تواند اموری مانند تحدید تجارت، تثبیت قیمت‌ها که به صلاح مسلمین است را انجام دهد. (موسوی الخمینی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۲۷)

یقیناً قانون‌گذار باید به حفظ جنبه اخلاقی قرارداد ازدواج و مهر توجه نماید و هر جا رویکرد فرهنگی شیاع این قرارداد، دور شدن جامعه از اخلاق حسنه باشد با تدبیر قانونی از انحراف ممانعت نماید. تلقی از مهر به عنوان یک قرارداد خصوصی صرف و آزادی کامل به دلیل عدم توجه به آثار عمیق اجتماعی و فرهنگی آن است. «مهر سکه» عقد غیرمالی ازدواج را به وسیله و ابزاری در جهت اقتصادی و مالی تبدیل کرده است. چنانچه تعداد این سکه‌ها قابل توجه باشد و به نحوی که امروز شیاع دارد جنبه غالب به خود گیرد، نباید در مخالفت آن با نظم عمومی جامعه و اخلاق حسنه تردید نمود. در چارچوب نظام فکری اسلام، سیاست عملی است که عامل سیاسی با به کار گرفتن زمینه و ظرفیت‌های حکومت برای یافتن روش‌های نفوذ در اندیشه و عمل انسان آنها را به سوی ویژگی‌های معنوی و تعالی اخلاقی هدایت می‌نماید و زمینه رواج فضیلت در جامعه را فراهم می‌کند. (شاطری، ۱۳۹۲: ۱۰۴) نظام سیاسی به معنای شکل

و ساخت قدرت دولتی و تمام نهادهای سیاسی، قضایی، اقتصادی، مذهبی و نحوه کارکرد این نهادها و قوانین و مقررات حاکم بر آنها می‌باشد. (ابوالحمد، ۱۳۵۸: ۱۹۷) تحت تأثیر نظرات علامه طباطبایی و شهید مطهری، تدابیر حقوقی از عوامل پشتیبانی مؤثر در استحکام خانواده دانسته شده است. (بستان، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۴) قانون‌گذار اسلامی در زمینه حقوق خانواده، به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه، باید به این وظیفه مهم توجه نماید و با سیاست‌گذاری قانونی از جنبه اخلاقی و معنوی نهاد خانواده صیانت نماید. «هر دولتی برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی در کشور خود و تحقق سیاست‌ها و اهداف اقتصادی-اجتماعی خاص، قوانین و مقرراتی وضع می‌کند. در این جهت برخی از فعالیتها ممنوع، برخی تشویق و برخی دیگر محدود می‌شوند. (شیروی، ۱۳۹۴: ۴۹)

از منظر آثار فرهنگی و اجتماعی، در شرایط کنونی تعیین سکه و طلا به عنوان مهر، قداست نهاد خانواده را تخریب نموده و آن را به نوعی تجارت و بیزینس تبدیل کرده و انگیزه بالایی جهت دریافت آن و به دنبال آن جدایی، طلاق و متلاشی شدن خانواده و تبعات بعدی اعم از فرهنگی، اجتماعی، روانی برای زن مطلقه و مرد و فرزندان طلاق و فشار اقتصادی پیش‌بینی نشده بر مرد را سبب گردیده است. بنابراین باید حداکثر تعهد متعهد (زوج) محدود به قیمت سکه با لحاظ افزایش قیمت متعارف و قبل از ایجاد وضعیت نامتعارف گردد و تعیین سکه و طلا به عنوان مهر ممنوع گردد تا از تأثیرات مخرب این عامل مهم در نظم اقتصادی جامعه جلوگیری نماید.

دادرس حق دارد از اجرای قراردادهای مخالف با نظم عمومی جلوگیری کند ولی نمی‌تواند قاعده‌ای را جانشین خواست‌های هم‌بیمانان سازد لذا نظم عمومی اقتصادی را قانون‌گذار برقرار می‌سازد و در راه اجبار اشخاص مانعی پیش رو نمی‌بیند، کافی است به تاریخ روابط موجر و مستأجر و کارگر و کارفرما در ایران توجه شود تا جوینده دریابد که چگونه سیاست اقتصادی دولت در نظم عمومی مؤثر واقع می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۶۷) اگر در زمانی شرایط اقتصادی جامعه ایجاب نمود تا اثر قرارداد خصوصی اجاره تحدید شود و تمدید عقد اجاره را بر مالک تحمیل نمود، این دخالت در تحدید آثار قرارداد مهر در شرایط فعلی ضرورت بیشتری دارد.

۲-۳. اصلاح قوانین مرتبط و پیشنهادات

در چنین شرایطی چند ماده قانونی با رویکرد حقوقی تبعیت تعهد از قصد و همچنین صیانت از نظم عمومی فرهنگی و اقتصادی پیشنهاد می‌گردد:

۱- قانونگذار حداکثر تعهد متعهد (زوج) را محدود به قیمت سکه با لحاظ افزایش قیمت متعارف و قبل از ایجاد وضعیت نامتعارف نماید. با این قاعده علاوه بر رعایت عدالت و مراعات جانب قصد واقعی قراردادی، زوج با پرداخت بهای ریالی قیمت سکه به میزان افزایش متعارف و مورد انتظار، مجبور نیست با هجوم به بازار سکه به عنوان عاملی افزایش بر تقاضا به افزایش قیمت آن دامن زند. در این راستا مقرر ذیل پیشنهاد می‌گردد:

«در مهریه‌های با موضوع سکه و طلا به نحو کلی فی الذمه، قیمت سکه با نوسان متعارف ملاک تعهد زوج است، در مواردی که سکه یا طلا بصورت عین معین و موجود تعیین شود، مالکیت آنها با عقد به زوجه منتقل می‌گردد و زوج مکلف به تسلیم آن به زوجه می‌باشد.»

«تبصره: قیمت متعارف با لحاظ میانگین میزان درصد افزایش در چهار سال قبل از زمان عقد تعیین می‌گردد که با استعلام از مراجع ذیربط مشخص می‌گردد.»

۲. نظری دیگر مبتنی بر ملاک بودن «قیمت سکه در زمان مطالبه مهریه» است، زیرا النهایه و در شرایط متعارف نیز مهریه عندالمطالبه است نه عندالتأدیه؛ عندالمطالبه بودن محدود به تعهد ناشی از قصد است نه خارج از آن به علاوه با توجه به وضعیت نوسان و دامنه تغییرات، شخصی که بواسطه عدم توانایی و به موجب قانون و رأی دادگاه، حکم اعسار و تقسیط گرفته نباید تاوان تورم و گرانی در جامعه بر وی تحمیل شود؛ زیرا وضعیت حادث به وی منتسب نمی‌باشد. ماده پیشنهادی بدین شرح وافی به مقصود است:

«در مواردی که موضوع تعهد مهریه، سکه می‌باشد، ملاک محاسبه میزان تعهد، ارزش سکه در زمان مطالبه است، بر این اساس چنانچه برای زوج حکم اعسار و یا تقسیط صادر گردد، کاهش یا افزایش قیمت پس از مطالبه مؤثر نبوده و پرداخت قیمت زمان مطالبه کافی در ایفای تعهد است.»

البته در راستای قضا‌دایی و جلوگیری از اختلافات بعدی، پیشنهاد می‌گردد

ملاک مطالبه رسمی باشد که به دو شیوه احصایی می‌تواند قانون‌گذاری شود: ۱- تاریخ تقدیم دادخواست مطالبه مهریه یا دادخواست طلاق از سوی زوجه و یا دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش که از سوی زوج یا توافق زوجین به مرجع قضایی داده می‌شود. ۲- تاریخ ارسال اظهارنامه رسمی مبنی بر مطالبه مهریه.

نظر دوم هر چند نسبت به رویه جاری فعلی ارجح است لکن نسبت به پیشنهاد نخست این ایراد را دارد که ممکن برای زوجه در شرایطی مانند شرایط زمان نگارش این نوشتار و اوج گرفتن قیمت سکه و طلا و سوسه‌انگیز باشد و از فرصت نوسان استفاده گردد و منجر به از هم پاشیدگی خانواده شود.

۳. هر چه زودتر قانونی وضع شود که به موجب آن تعیین سکه و طلا به عنوان مهر به ویژه به صورت کلی فی‌الذمه ممنوع و بی‌اثر و یا دست‌کم، تحدید و برای آن سقف تعیین و صحت مهریه سکه مشروط به «عین معین» گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برآمد

جهت تحقق ماده ۱۹۱ و سایر مواد قانون مدنی مرتبط مذکور در متن و قاعده مسلم «العقود تابعه للقصود» و مبانی حقوق اسلامی که مبتنی بر اخلاقی بودن قوانین است و همچنین اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی متبلور در ماده ۱۰ قانون مدنی به جهت عدم الزام به امر خارج از قصد و اراده قراردادی اتخاذ راه حل قانونی و تحدید تعهد تا نوسان متعارف قیمت مهریه سکه به صورت کلی فی الذمه، ضرورت شرعی و اجتماعی دارد. رویکرد حقوقی این تدبیر قانونی، حصول تحقق اصل حاکمیت اراده و قدر متیقن تحقق تبعیت عقد از قصد است زیرا تعهد در زمان عقد ایجاد می شود نتیجه این امر مصون ماندن از نوسان کاهشی یا افزایشی نامتعارف قیمت است.

در مهریه های با موضوع سکه و طلا که قبلاً منعقد گردیده است باید قیمت نوسان متعارف سکه ملاک تعهد زوج باشد. مگر مواردی که سکه یا طلا بصورت «عین معین و موجود» تعیین شود که در این صورت مالکیت آنها با عقد به زوجه منتقل می گردد و زوج مکلف به تسلیم آن به زوجه می باشد. نظری دیگر مبتی بر ملاک بودن «قیمت سکه در زمان مطالبه مهریه» است، زیرا النهایه و در شرایط متعارف نیز مهریه عندالمطالبه است نه عندالتأدیه.

معضلات اجتماعی، ایجاد مشقت، تبدیل عقد ازدواج به تجارت، آثار شوم از هم پاشیدگی خانوادگی ناشی از وسوسه انگیز بودن اجرای مهریه با سود بیش از هزار درصدی در طی مدتی کوتاه، حبس، فرار به خارج، ایجاد مشکلات روحی و روانی برای مرد گرفتار و فرزندان و افراد واجب النفعه اش، خودداری مردان مجرد از ازدواج به دلیل مهریه، افزایش زنان مطلقه ناشی از وسوسه اجرای مهریه و آثار افزایش روابط نامشروع و اینگونه تشدید وضعیت بحران اجتماعی و فرهنگی، مصداق مخالفت بودن اجرای یک قرارداد خصوصی با نظم عمومی و اخلاق حسنه مصرحه در مواد قانونی فوق الذکر و قواعد فقهی عسر و حرج، ملاک و مبنا و ملاک قاعده الضرورات تبیح المحذورات است.

در بیان رویکرد اقتصادی اجتماعی، توقیف سرمایه زوج مشغول به کار تولیدی یا خدماتی و تعطیلی کار و اشتغال او به دلیل تأمین خواسته از سوی زوجه و تشدید بحران اقتصادی میلیونها شهروند و به تبع اقتصاد ملی، اجرای مهریه های سکه و طلا

یکی از علل مهم افزایش بحران اقتصادی کشور است. یکی از عوامل افزایش قیمت سکه و طلا که شاخص تعیین قیمت سایر کالاهاست به دلیل افزایش تقاضایی است که از سوی مردان در حال پرداخت مهریه به بازار وارد می‌شود. با توجه به اجرای مهریه سکه در شرایط کنونی فرهنگی و اقتصادی کشور مصداقی از موضوع ماده ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آئین دادرسی مدنی مبنی بر عدم امکان اجرای قراردادهای مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه است.

بنابراین دخالت مقنن و اصلاحات متناسب ضرورت دارد به طوری که تعیین مهریه سکه و طلا به صورت کلی فی‌الذمه، ممنوع گردد و یا دست کم، محدود شده و برای آن سقف تعیین شود؛ وضع قانون ممنوعیت یا محدودیت تعیین سکه کلی و شرط عین معین بودن سکه حین‌العقد زمینه نگاه اقتصادی به ازدواج و به عنوان کالای وسوسه‌انگیز کاهش می‌دهد

سکه به عنوان مهریه شیاع حداکثری و قریب به اتفاق دارد و شاید بیش از نود درصد موارد را به خود اختصاص می‌دهد؛ به همین دلیل اختصاص پژوهش تأکید بر رفع معضلات موجود جامعه است، همچنین تعیین سکه به صورت عین کلی، حالت رایج و غالب در جامعه است که موجب این مشکلات و آستن افزایش قیمت خارج از قصد و تعیین نجومی و خارج از توان متعهد می‌باشد، از طرف دیگر سکه خاصیت دیگری جز ارزش ریالی ندارد و مطلوب قیمت آن است؛ بر این اساس حکم به پرداخت قیمت متعارف با قصد غایی قراردادی مغایر نیست، حال آنکه ملک، خودرو و سایر اموال، علاوه بر این که در عمل درصد اندکی را به خود اختصاص داده است، عملاً به نحو عین معین و موجود تعیین می‌گردد و از طرف دیگر برخلاف سکه عینیت آنها مطلوب است؛ چون استفاده خاص دارند که در این صورت نظر به انتقال مالکیت با عقد، مشکلات مذکور از جمله عدم تطابق قصد در موارد نوسان نامتعارف قیمت منتفی است، و حکم به قیمت به جای عین در این موارد منافی قصد قراردادی است. ضمن این که سکه و طلا به نحوی که مذکور گردید به دلیل وضعیت تعیین‌کننده و استراتژیک و شاخص بودن در قیاس با اموال دیگر، تأثیر ویژه‌ای در ایجاد بحران اقتصادی و اختلال در نظم اقتصادی خواهد داشت.

منابع الف) فارسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۸). *مبانی علم سیاست*. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۵). *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه.
۳. ارسطو (۱۳۷۸). *اخلاق نیکوماخوس*. ترجمه: لطفی، محمدحسن، تهران: طرح نو.
۴. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۷). نگرشی تطبیقی به مفهوم عدالت در فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو. *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*. دوره دهم. شماره سوم. صص ۲۷-۱.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۱۰). *مکاسب*. جلد هشتم. چاپ اول. قم: دارالکتب.
۶. بجنوردی، محمدحسن (۱۴۱۹). *قواعد الفقهیه*. جلد سوم. قم: الهادی.
۷. بجنوردی، سیدحسن (بی تا). *القواعد الفقهیه*، ج ۷، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۸. برناردز، جان (۱۳۹۰). *درآمدی به مطالعات خانواده*. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نی.
۹. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۷). «حقوق عاشقانه» علیه «حقوق کامجویانه»، گفتاری در فلسفه حقوق خانواده. *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. دوره ۳۸. شماره ۱. صص ۱۲۳-۱۱۱.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ بیست و سوم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۱. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). *حکمت اصول سیاسی اسلام*. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۲. جونز، پیتر (۱۳۸۷). *مفاهیم بنیادین حقوق*، ترجمه سیدرضا حسینی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۳. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلہ فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم*، تحقیق و تعلیق الشیخ محمدباقر المحمودی. طهران: مجمع أحبا الثقافه الاسلامیه.
۱۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). *وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشرعیه*. قم: تبیان.
۱۵. حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد (۱۴۱۹). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۶. جعفری خسروآبادی، نصراله (۱۳۹۶). تأملی بر مفهوم تعهد و التزام در فقه امامیه و حقوق ایران، *مطالعات حقوقی*، دوره نهم، شماره سوم، صص ۷۵-۹۶.
۱۷. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵)، *انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه*، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. دلاوری، مجید؛ رحمتی زینب (۱۳۸۹). بررسی تغییرپذیری نوسانات قیمت سکه و طلا در ایران با استفاده از مدل‌های ARCH. *دانش و توسعه (علمی-پژوهشی)*. سال هفدهم، شماره ۳۰، صص ۶۸-۵۱.
۱۹. دین‌پرور، سیدجمال‌الدین (۱۳۹۲). *جلوه‌های خدائشناسی در نهج البلاغه*. چاپ اول. تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۲۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سروش.
۲۱. سلجوقی، محمود (۱۳۹۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی: تعارض قوانین تعارض دادگاه‌ها*. جلد دوم. چاپ هفتم. تهران: میزان.
۲۲. شاطری، روح‌الله (۱۳۹۲). *مسئولیت اخلاقی حکومت دینی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. شایگان، سیدعلی (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*. چاپ اول. قزوین: انتشارات طه.
۲۴. شهابی، مهدی (۱۳۹۳). قرارداد به مثابه قانون هابزی یا کانتی تأملی در مبنای اعتبار مفاد قرارداد در حقوق مدنی ایران و فرانسه. *مطالعات حقوقی*. دوره ششم، شماره چهارم، صص ۹۴-۵۵.
۲۵. شهیدی، مهدی (۱۳۶۸)، *قدرت بر تسلیم مورد معامله*، کانون وکلا، شماره ۱۴۸ و ۱۴۹، صص ۱۰۳-۸۹.
۲۶. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۴). *حقوق تجارت بین‌الملل*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
۲۷. رحمانی فیروزجاه، علی؛ سهرابی سعیدیه (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری (مطالعه موردی شهر ساری). *پژوهش‌های علم و دین*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۴، شماره ۱، صص ۶۰-۳۹.
۲۸. صمدی، سعید و دیگران (۱۳۹۴). اثر نوسانات نرخ ارز و شاخص بازار سهام بر قیمت سکه طلا، *اقتصاد پولی مالی (دانش و توسعه سابق)*، دوره جدید، سال بیست و دوم، شماره ۹، صص ۷۳ تا ۵۶.

۲۹. طالب‌احمدی، حبیب (۱۳۹۱). ماهیت حقوقی طلاق خلع. *مطالعات حقوقی*، دوره چهارم. شماره دوم. صص ۹۱-۱۱۵.
۳۰. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۴). *عروة الوثقی*، چاپ اول، قم، النشر الاسلامی.
۳۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۵). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، حقه و علق علیه لجنة من العلماء والمحققین الأخصائیین، جلد دهم، بیروت، موسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. طوسی، نصرالدین محمد (۱۳۷۳). *اخلاق ناصری* تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.
۳۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۵). *تفسیر نور*، تهران، مرکز نشر درسهای از قرآن.
۳۴. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۸). *غایة القصوی فی ترجمه العروة الوثقی*، چاپ دوم، قم، صبح پیروزی.
۳۵. عامری نیا، محمدباقر؛ جمادی، علی (۱۳۹۶). استناد به روح قانون در دادرسی. *مطالعات حقوقی*، دوره نهم. شماره اول. صص ۲۴۱-۲۲۷.
۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، جلد اول، چاپ هفتم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۷. کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی) (۱۴۱۱). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. ج ۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۹. مارکوس، الکسی (۱۳۸۷)، اخلاق تجاری، ترجمه: حبیب‌اللهی، مهدی، *فصلنامه اخلاق*. شماره ۱۳ و ۱۴. صص ۳۱۶ تا ۳۵۵.
۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الاطهار علیه السلام*، جلد ۴۲ و ۴۳. بیروت: الوفا.
۴۱. مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷). *العناوین الفقیهه*. ج ۲. چاپ اول. بیروت: موسسه الطبع و النشر
۴۲. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *قواعد فقه*. چاپ دهم. تهران: میزان.
۴۳. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.

۴۴. مشایخ، شهناز و همکاران (۱۳۹۱). نوسانات قیمت طلا در بازار ایران و جهان، *پژوهش حسابداری*. سال دوم. شماره ۷. صص ۱۰۱-۱۲۴
۴۵. مصطفی، ابراهیم؛ الزیات، احمد؛ عبدالقادر، حامد؛ النجار، محمد (بی تا). *المعجم الوسیط*. ج ۲. دارالدعوه، تحقیق مجمع اللغة العربیة.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *ختم نبوت*. تهران: صدرا.
۴۷. معروف الحسنى، هاشم (بی تا). *نظریه العقد فی الفقه جعفری*. چاپ اول. بیروت: مکتبه هاشم.
۴۸. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *قواعد الفقهیه*. جلد دوم. چاپ سوم. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۴۹. الموسوی‌الخمنی (۱۳۶۲). *طلب و اراده*. ترجمه و شرح: احمد قهری. تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
۵۰. موسوی خمینی (۱۳۷۳). *تحریر الوسیله*، قم: دارالکتب العلمیه.
۵۱. نبویان، سید محمود (۱۳۸۸). *حق و چهار پرسش بنیادین*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۹۴). *معراج السعاده*. چاپ چهارم. قم: پیام مقدس.
۵۳. نراقی، ملا احمد (۱۴۱۷). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الاحکام*. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

(ب) انگلیسی

1. Carbonnier, Jean (1956). *Droit civil*, T.4, Les Obligations. PUF Paris.
2. Jaagger, Gill, Wright, Carolina. (1999). *Changing Family Values*. Routledge 11 New Fetter Lane, London EC4P 4EE
3. Kennedy, Duncan (1982). Distributive and Paternalistic Motives in Contract and Tort Law, With Special Reference to Compulsory Terms and Unequal Bargaining Power, *Maryland Law review*, Vol.41, No.4.

4. Larombière, Léobon (1862). *Théorie et pratique des obligations ou commentaires titres III et IV, livre III du Code Napolen, art. 1101 a 1386*, T: 1, Bruxelles: Durand.
5. Lesthaegh, Ron (2010). "The Unfolding Story of the Second Demographic Transition", Paper presented at the conference on "Fertility in the History of the 20th century – Trends, Theories, Public Discourses, and Policies, Akademia Leopoldina & Berlin-Brandenburgische Akademie, January 21-23, 2010.
6. Weatherill, Stephen (2005), *Eu Consumer Law and Policy*, Edward Elgar Publishing.



پښتونستان د علومو انساني و مطالعات فرېښکې
پرتال جامع علوم انساني